

اولیس جو یس

عصارهٔ داستانی

هری بلا میرز

ماتیو هاجارت

دان گیفورد

ترجمه و تدوین

منوچهر بدیع



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	: بدیع، منوچهر، ۱۳۱۸ - ، مترجم، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: اولیس جویس (عصاره داستانی) / ترجمه و تدوین منوچهر بدیع
مشخصات نشر	: تهران: نیلوفر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۲ ص.
شابک	: 978-964-448-620-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه و تدوین سه کتاب بنام «کتاب پلومزدی نوشته هری پلامایرزا، کتاب جیمز جویس نوشته ماتیو هاجارت و کتاب حاشیه بر اولیس نوشته دان گیفورد» می‌باشد.
موضوع	: جویس، جیمز، ۱۸۸۲-۱۹۴۱ م. - نقد و تفسیر
موضوع	: Joyce, James-Criticism and interpretation
موضوع	: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۵۳۵ ی ۹۲ ج ۳ / PZ
رده‌بندی	: ۸۲۳ / ۹۱۲
شماره ثبت	: ۳۶۲۸۷۷۸



انستیتوات نیلوفر خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

اولیس جویس (عصاره داستانی)

ترجمه و تدوین: منوچهر بدیع

حروف چینی: شبستری

چاپ دیا

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷	پیش‌نقد مترجم
۱۳	[۱] تلماک
۲۳	[۲] منور
۳۱	[۳] پروتس
۴۱	[۴] کالیپسو
۴۹	[۵] لوتوس خواران
۵۷	[۶] هادس
۷۱	[۷] ائول
۸۷	[۸] نستریگون‌ها
۱۰۷	[۹] سیلا و شازید
۱۲۹	[۱۰] نخته‌سنگ‌های لغزان
۱۴۷	[۱۱] سیرن‌ها
۱۶۵	[۱۲] سیکلپ
۱۸۵	[۱۳] نوزیکائا
۱۹۷	[۱۴] گاوان خورشید
۲۰۷	[۱۵] سیرسه
۲۶۷	[۱۶] اومه
۲۸۷	[۱۷] ایتاکا
۳۱۳	[۱۸] پنه‌لوپ

پیشگفتار مترجم

چارل‌المن، نویسنده زندگینامه جویس، می‌نویسد که «ژاک بنوامیشن»، جوان بیست‌ساله که آخرین فصل «اولیس» را از انگلیسی به فرانسه ترجمه کرد، از جویس خواست تا طرح «اولیس» را به او بدهد تا بتواند بهتر و با چشم بازتر کتاب را ترجمه کند. جویس تکه‌ناچیزی از طرح را به او داد و گفت: «اگر تماشای بدهم جاودانی خود را از دست خواهم داد. آن قدر لغز و معما در آن نهاده‌ام که تا قرن‌ها استادان سرگرم این جلد خواهند بود که چه می‌خواسته‌ام بگویم و این تنها راه دست یافتن به جاودانی است».

حقیقت آن‌که داستان «اولیس» لایحه‌ای اساطیری یونان، تاریخ و جغرافیا و افسانه‌های ایرلند، مناسک مسیحیت، انواع گوناگون سبک‌های ادبی، سیلان خودآگاهی و تک‌گوئی درونی، اشارات ادبی و فلسفی و حتی علمی، پاره‌هایی از زندگی جویس و خانواده جویس، زندگی روزمره و خیالی‌ها، تکه‌هایی از ترانه‌ها و اپراهایی که خواندن آنها رواج داشته (در «اولیس» چهار اپرا و ۳۰۴ ترانه و تصنیف و سرود و ۵۲ شعر کودکانه و آواز به اصطلاح «کریچ‌جی» اشاره شده است)، و اشاره به بیش از هزار شخصیت که هر کدام نمونه‌ای از جنبه‌های مشاغل و حرفه‌های گوناگون هستند، پراکنده و پنهان شده است.

به همه این‌ها، ابهام‌ها و ابهام‌ها و به اصطلاح «بازی‌های زبانی»، درهم ریختن ساختار جمله‌ها که از لوازم نقل واقع‌گرایانه تک‌گوئی درونی است، طنزی حیرت‌انگیز با تقلید از سبک‌های نویسندگان و گاه طغیان قلم افزوده می‌شود.

در این میان چگونه می‌توان از «داستان» اولیس سر درآورد؟ این داستان درواقع همان قصه ساده‌ای است که «از هر زبان که می‌شنوم نامکرر است».

سه شخصیت اصلی هم بیشتر ندارد: استیون ددالوس، لئوپولد بلوم و زنش مالی بلوم. اما بیرون کشیدن این قصه ساده از دل متن کتاب به کوششی طاقت فرسا نیاز دارد که حتی مشتاق ترین و کنجکاو ترین خواننده را مأیوس می کند.

بیش از بیست سال پیش که مترجم کار ترجمه «اولیس» و ترجمه و تدوین «یادداشت های اولیس» (با بیش از پنج هزار یادداشت در نزدیک به دویست هزار واژه) و کتاب «بررسی های اولیس» (در حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ صفحه شامل عصارة ستانی، نقدهای مهم، تاریخ ایرلند، زندگی جویس و...) را تمام کرد، در «یادداشتی بر یادداشت ها» درباره طرز خواندن متن، یادداشت ها و بررسی ها به این نتیجه رسیده است که «خواننده ای که می خواهد با تمام لغزها و معماها و لایه های ستانی کتاب درگیر شود و از لذت حل دشواری ها و یافتن معانی تازه بی نصیب نماند، ناگزیر باید علاوه بر «یادداشت ها» و «بررسی ها»، هر بخش از ترجمه فارسی «اولیس» را دست کم سه بار بخواند.

روشن است که مترجم مدتی فقط به دنبال «داستان» باشد هرگز این «تکلیف مالا یتطاق» را تاب نخواهد آورد نه تنها چون توقعی از خوانندگان فارسی زبان بلکه از کتاب خوان های انگلیسی و انگلیسی دان هم که می توانند متن اصلی «اولیس» را بخوانند، توقع بی جایی است.

بنابراین، تنها راه برای کسانی که فقط داستان و زبان را می خواهند، آن است که عصارة داستانی هر بخش را به زبان راحت و ساده و بدون اشارات و تلمیحات و بازی های زبانی بخوانند. این کتاب همان «عصارة داستانی است».

* * *

منابع و مآخذ عمده مترجم در ترجمه و تدوین این کتاب، سه کتاب زیر بوده است:

۱. «کتاب بلومز دی» از هری بلامایر که عنوان آن به معنی «روز بلوم» است. بلوم نمونه اصیل مردم میانه حالی است که زندگی روزمره و فکر و خیالشان در حد متوسط و متعادل و بی خطر است، هرچند ممکن است فقط در عالم خیال بلند پروازی هائی هم داشته باشند. تقریباً همه مردم چنین اند که اگر چنین نبود

سنگ روی سنگ بند نمی‌شد. در ایرلند، روز ۱۶ ژوئن هر سال را (که روز ماجراهای «اولیس» در سال ۱۹۰۴ است) «بلومزدی» نامیده‌اند و سراسر روز را تا آخر شب مردم با لباس‌ها و وسائل حمل و نقل آن زمان در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، به رستوران‌ها و کافه‌ها و محل‌های دیگری سرکشی می‌کنند که نام آنها «اولیس» آمده و ترانه‌ها و تصنیف‌ها و اپراهایی را می‌خوانند که در «اولیس» به آن اشاره شده است؛ در تلویزیون و رادیو هم اولیس خوانی مفصلی راه می‌ان زنند. در واقع روز مردمان میانه‌حال متوسط را جشن می‌گیرند.

هری بلا میرز دهمین نوامبر ۱۹۱۶ متولد شده است و در نوامبر ۲۰۱۴ (امسال) نوزدهمین سالش تمام می‌شود، انگلیسی است و استاد دانشگاه بوده است. مهم‌ترین آثار او «زمینه الهیات است. کتاب او با عنوان «ذهن مسیحی: مسیحی چگونه باید بیندیشد» کتاب درسی مدرسه‌های دینی مسیحیان است. حتی عنوان‌های رمان سه بخش او، «طنین دینی دارد: «شکارگاه شیطان»، «جنگ سرد در جهنم» و «بزرگراه بهشت».

«کتاب بلومزدی» منبع اصلی این کتاب است. مشخصات آن:

Blamires, Harry (1966). *The Bloomday Book: A Guide through Joyce's Ulysses*, London, Methuen & Co., Reprint 1976.

۲. کتاب «جیمز جویس» از ماتیو هاجارت (۱۹۶۶، ۱۹۶۹). هاجارت استاد زبان انگلیسی در دانشگاه‌های انگلیس و کانادا بوده است. کتاب او با عنوان «فکاهه» و (همراه با نویسنده دیگری) کتابی با عنوان «ترانه‌های آثار جیمز جویس» نوشته است. تمامی نکته‌های مربوط به ارتباط هر بخش از رمان با مسیحیت که پیش از آغاز خلاصه داستانی آن بخش در این کتاب آمده، از کتاب هاجارت ترجمه شده که مشخصاتش این است:

Hodgart, Matthew (1978). *James Joyce: A Student Guide*, London, Routledge & Kegan Paul, Reprint 1983.

۳. «حاشیه بر اولیس» از دان گیفورد همراه با رابرت ج. سیدمن. مؤلف این کتاب بسیار مفصل دان گیفورد است، رابرت سیدمن که شاگرد او بوده، او را

همراهی کرده است. دان گیفورد (۱۹۱۹-۲۰۰۰) در شهر اسکینگتادی در ایالت نیویورک آمریکا به دنیا آمده و استاد ادبیات انگلیسی بوده است. بر «چهره مرد هنرمند در جوانی» و «دابلینی‌ها» نیز حاشیه نوشته است. او را یکی از فاضل‌ترین پژوهشگران آثار جویس می‌دانند.

مشخصات کتاب او که منبع اصلی کتاب «یادداشت‌های اولیس» به فارسی بوده، این است:

Gifford, Don with Seidman, Robert J. (1974/ 1989). *Ulysses Annotated: Notes for James Joyce's Ulysses*, Second Edition, Revised and Enlarged by Don Gifford, Berkeley, University of California Press, 1988.

نویسنده کتاب بالا استاد زبان و ادبیات انگلیسی بوده‌اند و آن کتاب‌ها را برای راهنمایی خوانندگان کل متن «اولیس» و استفاده دانشجویان نوشته‌اند. بنابراین ترجمه دقیق و شفاف آنان وافی به مقصود مترجم، یعنی تدوین عصاره داستانی «اولیس»، نبوده و این ترجمه ناچار، به ترجمه آزاد دست زده است. آنچه از کتاب مقدس نقل شده در ترجمه‌ای است که «انجمن کتاب مقدس ایران» منتشر کرده است. جمله‌ها و عبارت‌های آثار هومر و شکسپیر از ترجمه‌های سعید نفیسی، ناصرالملک و فرزند، عبدالرحیم احمدی و محمدعلی اسلامی ندوشن نقل شده است.

در متن «اولیس» بیش از دو هزار اسم خاص به کار رفته که اغلب آنها نام یا نام خانوادگی دابلینی‌ها است. املاهای انگلیسی تمام آن نام‌ها در ترجمه فارسی متن کامل «اولیس» آمده است، اما برای آنکه خوانندگی که می‌خواهد فقط خلاصه داستان را بخواند زحمت بیهوده مراجعه به املاهای انگلیسی نام‌ها را تحمل نشود در این کتاب تمام نام‌ها به خط فارسی با همان تلفظ متداول در فارسی ضبط شده مگر در مورد دو نام زیر:

دابلین: نام این شهر که شخصیت اصلی «اولیس» است ابتدا با تلفظ فرانسوی «دوئلن» وارد زبان فارسی شده و سپس با رواج ترجمه‌های انگلیسی به صورت

«دوبلین» درآمده که نه فرانسوی است نه انگلیسی. «دابلین» هم تلفظ دقیق نام این شهر را نشان نمی‌دهد ولی شاید نزدیک‌تر به تلفظ دقیق باشد.

ملِگَن: تقریباً همه کسانی که در ایران با آثار جویس و مخصوصاً «اولیس» سروکار داشته‌اند، حتی خود مترجم، این نام را به صورت «ملیگان» یا «مولیگان» نوشته‌اند. مترجم در آخرین مراحل ترجمه و تدوین این کتاب به یاد آورد که شخصیتی که این نام بر او نهاده شده در همان ابتدای بخش اول نام خود را با واژه‌ای وصف می‌کند که در فارسی می‌توان آن را با دو هجای کوتاه و یک هجای بلند («تَتَن») نامید.

«اسم من هم مثل است ملکی ملِگَن تَتَن تَتَن.»

بنابراین «ملِگَن» به معنای «ملیگان» انتخاب شد.

و اما درباره انتشار متون کامل ترجمه فارسی «اولیس» همراه با کتاب «یادداشت‌ها» و کتاب «بررسی‌ها».

مترجم ده سال پیش در گفت‌وگویی با یکی از دانشجویان پژوهشگر و مترجم و ویراستار برجسته، گفت که انتشار و ترجمه فارسی کامل «اولیس» به عمر من وصال نخواهد داد. اکنون که مترجم به پایان عمر خود نزدیک‌تر شده است، این سخن قوت بیشتری یافته است.

عمر همه ما ناپایدار است اما «آینده بسی دیر بپاید». انسان روزی سرانجام «اولیس» را خواه در ترجمه فارسی مترجم خواه در ترجمه کلمات دیگر خواهند خواند. مترجم با خواندن «اولیس» و نوشتن آن به فارسی دریافته است که بیان فارسی، دست‌کم در حدود تجربه و آگاهی مترجم، برای ترجمه «اولیس» و «شب‌زنده‌داری» بسیار تواناست. هدف مترجم از ترجمه «اولیس» بیشتر از انتشار آن درک همین توانائی بوده است. مترجم گمان می‌کند به این هدف نزدیک شده و، در هر حال، اجر خود را گرفته است.

م.ب.

مهرماه نود و سه